

## موسویان: نباید فرصت را از دست داد

یکی از مذاکره‌کنندگان سابق ایران در پایگاه المانیتور نوشت که این مسئله یک تراژدی است که مذاکرات ایران و ۵+۱ با لیستی از فرصت‌های از دست رفته به پایان برسد.

26 May 2014-

تاریخ: ۰۵ خرداد ۱۳۹۳ - ۲۰:۵۰

کد خبر: ۴۰۳۳۶۰



یکی از مذاکره‌کنندگان سابق ایران در پایگاه المانیتور نوشت که این مسئله یک تراژدی است که مذاکرات ایران و ۵+۱ با لیستی از فرصت‌های از دست رفته به پایان برسد.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه المانیتور به قلم سید حسین موسویان، «عباس عراقچی»، معاون وزیر خارجه ایران روز 16 ماه مه بعد از پایان جدیدترین دور از مذاکرات وین اعلام کرد که مذاکرات بین ایران و 5+1 (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین بعلاوه آلمان)، به کندی و با دشواری پیش می‌رود.

روز بعد، «محمد جواد ظریف» وزیر خارجه ایران در یک پیام توئیتر نوشت: بعد از مذاکرات سخت از وین بازگشتیم. توافق محتمل است اما توهومات باید از بین برود. فرصت نباید همچون سال 2005 مجدداً از دست برود.

موسویان ادامه داد که هرگز توافق جامع هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهان که به سه دهه بیگانگی، دشمنی و تحریم پایان می‌دهد، تا این اندازه نزدیک نبوده است، اما این مسئله یک تراژدی است که گفت‌وگوها با لیستی از فرصت‌های از دست رفته بین ایران و آمریکا به پایان برسد.

یکی از ناامیدکننده‌ترین فرصت‌های از دست رفته بعد از حمله 11 سپتامبر 2001 به برج‌های دوقلو آمریکا بود. ایران در بین اولین کشورهای بود که این حمله را محکوم کرد و پیام تسلیت برای آمریکا فرستاد.

«محمد خاتمی» رئیس‌جمهور وقت ایران در پیامی نوشت: از جانب دولت و مردم ایران، تلاش هواپیماری و حملات تروریستی را محکوم می‌کنم. با ملت آمریکا ابراز همدردی می‌کنم.

در سال 2001، مذاکرات جامعی بین ایران و دولت آمریکا با هدف همکاری در زمینه افغانستان صورت گرفت.

جیمز دابینز» نماینده ویژه آمریکا در افغانستان و پاکستان که هیأت آمریکا را در کنفرانس ۲۰۰۱ بن برای ایجاد

یک دولت بعد از طالبان برای افغانستان رهبری می‌کرد در حین کنفرانس پاییز ۲۰۱۲ در برلین به من (موسویان) گفت که حامد کرزی، کاندید مورد حمایت آمریکا برای هدایت دولت جدید افغانستان است و ایران نیز از ما حمایت می‌کند.

داینز بر نقش محمد جواد ظریف که در آن هنگام معاون وزیر امور خارجه در امور بین‌الملل و قضایی بود بر موفقیت کنفرانس بن و ایجاد دولت افغانستان تأکید کرد.

حتی بعد از ایجاد دولت جدید افغانستان در کنفرانس بن، گفت‌وگوها با ایران ادامه داشت اما ناگهان یک بمب واقعی به وجود آمد. «جرج بوش» رئیس‌جمهور سابق آمریکا تنها چند هفته بعد از کنفرانس بن، ایران را در حین سخنرانی سال ۲۰۰۲ خود، محور شرارت خواند. مذاکرات ادامه داشت اما میل ایران برای همکاری از بین رفت.

بعد از یکی از نشست‌های شورای عالی امنیت ملی، «قاسم سلیمانی» فرمانده سپاه قدس ایران به موسویان درباره احساس بد به واکنش بوش به کمک‌های ارزشمند ایران گفت. او گفت، وقتی همکاری آغاز شد، مظنون شده بود که درخواست کمک آمریکا یک اقدام تاکتیکی است و آمریکا قصد همکاری طولانی‌مدت ندارد. اگر آمریکا صادق بود ما می‌توانستیم در سرنوشتی القاعده به آنها کمک کنیم.

سلیمانی افزود: آمریکایی‌ها با پیچیدگی‌های افغانستان آشنایی ندارند. آمریکا منطقه را نمی‌شناسد. آمریکا افغانستان را نمی‌شناسد. آمریکا ایران را نمی‌شناسد. در هر صورت ما پیروز می‌شویم و اگر آمریکا از ایران عبور کند، مجبور است متحمل شکست شود.

خاتمی بعد از این سخنان بوش، به موسویان گفته بود که اطمینان دارم که بوش ضربه نهایی را به روابط ایران و آمریکا زده است و حدس می‌زنم حداقل هرگونه بهبود در روابط دو جانبه غیرممکن شده است.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران نیز در همان ابتدا به برخی مقامات ایرانی هشدار داد: دعوت آمریکا برای همکاری، تاکتیکی است.

پس از آن، مذاکرات هسته‌ای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ ایران و ۵+۱ با شکست مواجه شد زیرا مذاکره‌کنندگان اروپایی به موسویان گفتند که موضع آمریکا توقف کامل غنی‌سازی در ایران است. من به مذاکره‌کنندگان اروپایی گفتم که ایران با این درخواست آمریکا موافقت نمی‌کند زیرا این درخواست آمریکا به شیوه گردن کلفتی بروز پیدا کرده است و این در تضاد با غرور ملی که پشت برنامه هسته‌ای ایران قرار دارد، می‌باشد.

«محمد البرادعی» مدیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً اعلام کرد، یک دهه طول کشید تا غرب متوجه شود که رقابت توهین‌آمیز برای نفوذ منطقه‌ای، یک استراتژی مناسب برای روبرویی با ایران نیست. توافق اخیر موقت با ایران ۱۰ سال پیش قابل دستیابی بود.

موسویان در پایان گزارش خود نوشت، وضعیت متزلزل کنونی نمی‌تواند پایدار باشد. اگر زمینه مشترکی بین ایران و آمریکا و دیگر قدرت‌های جهان بر سر موضوع هسته‌ای به وجود نیاید، یکی از دو سناریو با نتیجه

مشابهی به وجود می آید. اگر طی زمان فشار اعمال شود، صبر برای فرایند طولانی مدت دیپلماتیک از بین می رود و تقابل نظامی جایگزین دیپلماسی می شود یا اگر آمریکا تحریمها علیه ایران را بیش از پیش افزایش دهد، اقدامات انتقامجویانه ایران به تقابل عمدی و غیرعمدی منجر می شود. خاورمیانه نیز که هم اکنون در بحران است و پتانسیل تقابل نظامی گسترده تر می بایست این فوریت را به وجود آورد که اینبار دیگر فرصت را از دست نداد.